

گورستان متجاوزان صهیونیستی خواهد شد

*** آمریکا تنها راه نجات صدام را هر چند برای مدتی کوتاه در توطئه‌ای دید که به وسیله آن اذهان مردم مسلمان را از جنگ ایران و عراق منحرف کرده و به مسئله جدیدی معطوف دارد.**

از طرف دیگر مزدوران و مرتجعان منطقه نیز که تا کنون از کمکهای مادی و موقوتی خویش در امر یاری رسانی به صدام متجاوز دروغ نوریته‌اند، بادیکن این پیروزیهای سایه یاس را بر سر خویش احساس نموده، و وحشت از شکست صدام، بدلیل اینکه در پیامدش شکست و سقوط خود را نظاره میکنند، سخت بر آنان مستولی گشت.

در چنین شرایطی است و آمریکا که تنها راه نجات صدام را هر چند برای مدتی کوتاه در توطئه‌ای می‌بیند که اذهان مردم مسلمان ایران و جهان را از جنگ ایران و عراق منحرف ساخته و به مسئله جدیدی معطوف دارد تا در این میان صدام بتواند قشونش را تجدید سازمان کرده و قوایش را برای حملات دیگری به ایران نیرومند، آماده گرداند. این توطئه چیزی جز بوجود آوردن یک جنگ تمام عیار در لبنان، جایی که مردم مسلمان نسبت به آن حساسیت بی اندازه دارند، نبود و در پی این تحلیل بود که اسرائیل قشون خود را بسیج کرده و با مدرنترین تجهیزات و سلاحها به سوی جنوب لبنان، گسیل داشت.

هر چند که در این مقطع مهمترین و اصلی ترین هدف امپریالیزم و صهیونیسم از قشون کشی به جنوب لبنان، نجات صدام و از اهمیت انداختن جنگ ایران و عراق بود ولی بجزایر میتوان گفت که اسرائیل غاصب اهداف دیگری را نیز از این حرکت در سر می‌پروراند که مهمترین آنها بدین شرح می‌باشد.

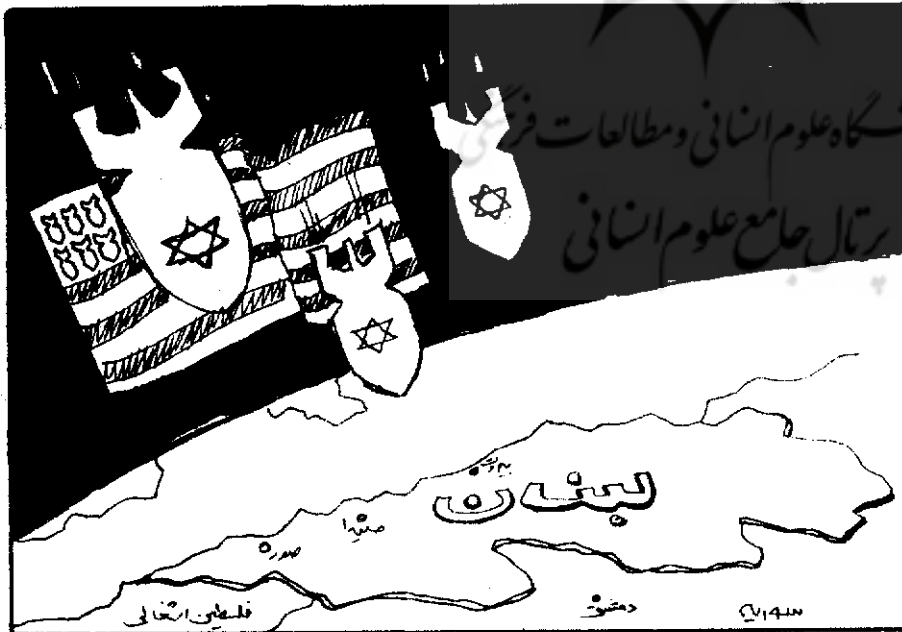
۱- دادن خود مختاری به فلسطین در چهارچوب قرارداد کمپ دیوید: اسرائیل که بعد از عقد قرارداد کمپ دیوید مصرانه و مرحله به مرحله در جهت اجرای آن پیش میرود، پس از تخلیه صحرائ سینا و سپردن این ناحیه بدست نیروهای چندملیتی (مرکب از آمریکا و ده کشور اروپایی) در پی اجرای مرحله

این گذر مهمترین واقعه‌ای که جلب توجه مینماید، پیروزی رزمندگان اسلام در فتح خرمشهر و ضربات بعدی که بر ارتش بوسیده و شکست خورده صدام وارد آورده‌اند، است. این فتحها و پیروزیها در صورت ادامه خود بلاشک و بدون تردید به سرنگونی صدام می‌انجامد. همانچیزی که آمریکا بشدت از آن وحشت داشته و حاضر است که برای حفظ صدام و جلوگیری از سرنگونی او به هر وسیله ای متوسل شده و در این راه از پرداختن هرگونه بهایی دریغ ندارد. چرا که حفظ صدام برای آمریکا یک اصل است.

حمله ده منشانه رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان و اشغال بخشی از آن از جمله مهمترین رویدادها و اخبار جهان در هفته‌های گذشته بود و مقاومت قهرمانانه نیروهای سوری، فلسطینی و لبنانی در برابر متجاوزان صهیونیست می‌رود تا حماسه‌ای دیگر را در جنگهای چندین ساله اعراب و اسرائیل به بار نشاند و نبرد کرامه را دوباره در ذهنها زنده سازد. حماسه مقاومتی در مقابل توطئه مشترک امپریالیزم و صهیونیسم بر علیه مردم محروم و تحت ستم جنوب لبنان.

اسرائیل غاصب در این جنگ تا برابر تمام امکانات و تجهیزات خود را بکار گرفت و علاوه بر آن با جنگ تبلیغاتی و روانی عظیمی که در منطقه و در جهان با استفاده از خبرگزاریهای امپریالیستی و صهیونیستی بوجود آورد سعی در مشروع جلوه دادن تجاوز خویش نمود. خصوصاً که آگاهی کامل و آشننگتن و کاخ سفید نشینان از حمله و جزئیات آن خود پشتوانه بزرگی برای صهیونیستها بود که حتی بتوانند با حق و توری شیطان بزرگ در سازمان ملل، محکومینهای ظاهری این سازمان را نیز خنثی سازند.

هر چند که تجاوزات رژیم صهیونیستی هر چند وقت یکبار به مناطق عرب و مسلمان نشین پدیده‌ای مکرر بوده و تازگی ندارد، ولی اینبار این سوال را که هدف اسرائیل و آمریکا از این حمله (خصوصاً در شرایطی که در جنگ ایران و عراق برتری کامل با رزمندگان مسلمان ایرانی است) چه میباشد را به ذهن میکشاند. برآستی هدف اسرائیل از دامن زدن به چنین جنگ خانمان سوزی چه بوده است؟ برای پاسخ به این سوال ناگزیر از آنیم که گذری کلی و کوتاه بر اوضاع منطقه در هفته‌های گذشته بیانداریم، در



بعنی اسرائیل لایتنک از هدف اولی نمی باشد، شکستن و هسته مقاومت شیعیان جنوب لبنان و خصوصا سازمان امل است، سازمانی که سالها بر علیه صهیونیستها و مزدوران داخلی اش (فالانزیستها) نبرد می کند. از طرف دیگر بخش عظیمی از هسته مقاومتی که در لبنان تشکیل شده است، مدیون نیروهای سوری بازدارنده عرب است، این نیروها که به تلاش گسترده بر علیه دشمن صهیونیستی دست زده اند از جمله سدهای مقاوم در برابر متجاوزات این خصم کهن پاهستند، موشکهای سوری مستقر در دره بقاع عامل دفاعی بسیار مهمی در برابر تجاوزات هوایی صهیونیستهاست و بر همین اساس است که اگر اسرائیل موفق شود نیروهای سوری را از لبنان بیرون راند، یک قدم برای به سازش کشیدن لبنانیها در جهت هدف نهایی خویش که گرفتن سرزمینها از نیل تا فرات است نزدیک تر شده است.

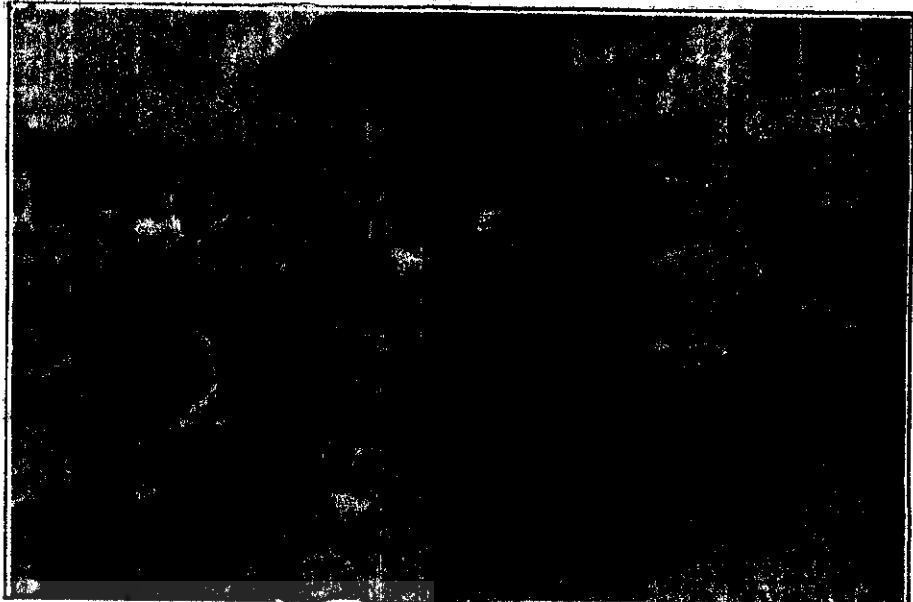
این امر در پیشروی نیروهای صهیونیستی بسوی بیروت محاصره آن بخوبی مشخص بود و مشهود بود که آنها به هر قیمتی که شده می خواهند صلیحی راه نیروهای لبنانی باقی در خروج سربازان سوری تحمیل نمایند.

۳ - بوجود آوردن یک دولت دست نشانده در لبنان: اسرائیل غاصب در یکی از چهار شرطی که برای خروج از لبنان اعلام داشته، گفته است که «مناطقیکه در دست فلسطینی ها قرار دارد باید در اختیار نیروهای لبنانی قرار گیرد»

معنای این حرف یعنی ایجاد یک حکومت جدید در لبنان و باصطلاح صهیونیستها ایجاد لبنان آزاد است، منظور صهیونیستها از چنین گفته ای، بوجود آوردن دولتی است که تامین کننده خواسته ها و اهداف آنها باشد، چه در آن صورت این دولت اجازه خواهد داشت که نیروهای سوری را از منطقه بیرون راند و فلسطینیها را آواره گرداند. بلاشک این حکومت بظاهر مستقل و تحت نام لبنان آزاد بدون همکاری و مشارکت مزدوران وابسته ای چون سعد حداد و بشیر جمایل رهبر فالانزیستهای لبنان امکان پذیر نخواهد بود و بی شک این حکومت با چنین نیروهایی جز دست نشانده ای برای اجرای سیاستهای بعنی اسرائیل در منطقه و پیگیری اهداف توسعه طلبانه آن چیز دیگری نخواهد بود.

۴ - دست یافتن به اراضی جدید جنوب رودخانه لیطانی و انضمام آن به خاک فلسطین اشغالی: در قسمت شمالی فلسطین اشغالی صحراهای خشکی وجود دارد که این صحراها در ادامه خود منتهی به رودخانه لیطانی میشوند. یکی دیگر از اهداف اسرائیل از این تجاوز دهنه نشانانه گرفتن این رودخانه و آبیاری این صحراهای خشک است. از طرفی میتوان گفت که تصرف رودخانه لیطانی بدلیل موقعیت خاصی که دارد همیشه یکی از ارزشهای اسرائیل غاصب بوده است

و در صورت الحاق این منطقه به خاک لطفاً ورق بزنید



*** سکوت و بی تفاوتی بعضی از کشورهای عربی زمینه را برای ادامه تجاوز نیروهای صهیونیستی هموار کرده است.**

*** از دیگر انگیزه های اسرائیل از حمله به جنوب لبنان اعلام یک منطقه بی طرفی در فلسطین اشغالی**

بعنی قرارداد یعنی اعطای خودمختاری به فلسطینها است. و اولین شرط برای تحمیل چنین قراردادی نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای مدافع قدس عزیز است، چه تازمانی که سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر نیروهای رزمنده برای رهایی قدس از چنگال اسرائیل تلاش می کنند، چنین امری امکان پذیر نخواهد بود. و به همین دلیل است که رئیس ستاد ارتش اسرائیل قبل از شروع حمله گفته بود: «آغاز مذاکره با فلسطینها در گرو نابودی ارتش فلسطین و نیروهای مسلح سازمان آزادیبخش فلسطین است» و در صورت برآورده شدن چنین خواسته ای است که غاصبان صهیونیستی خواهند توانست فلسطینها و اعراب محافظه کار را پای میز مذاکره کشاند و به قبول خواسته های تعیین شده از سوی تل آویو و پذیرش خودمختاری تحت کنترلی در کرانه باختری رود اردن وارد سازند و بی دلیل نیست که شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی پس از انجام حمله که به خیال خام خویش موفقیت آمیز بوده است اظهار میدارد که:

«نخستین مرحله عملیات اسرائیل پایان یافته و مازیربنای فلسطینی ها را در فضایی که برای امنیت مان لازم بود نابود کرده ایم و در ادامه می گویند: «حضور رزمندگان فلسطینی و مرکز ستاد آنها در بیروت تنها مسئله مربوط به مانیت است چرا که آنها تنها اسرائیل را تهدید نمی کنند، بلکه تهدیدی برای صلح عمومی، برای اروپا و جهان آزاد هستند» بنابر این متجاوزان صهیونیستی از هر حرکتی که ضربه ای بر سازمان آزادیبخش فلسطین را در پی داشته باشد کوتاهی نخواهند کرد و حتی یکی از شروط خود را برای ترک لبنان و تداوم آتش بس، بازنگشتن فلسطینی ها به لبنان قید می کنند.

۲ - شکستن مقاومت در بیروت، از طریق ضربه زدن به شیعیان جنوب لبنان و در رأس آن جیش امل و بیرون راندن نیروهای سوری بازدارنده عرب: هدف

فلسطین اشغالی بنا به گفته بگین، خواهند توانست تا رودخانه زهران پیش رفته و بدین ترتیب قسمت بیشتری از سرزمینهای اعراب را تحت سلطه خویش در آورند.

۵ - اعلام یک منطقه غیر نظامی و استقرار نیروهای چند ملتی در جنوب لبنان: از جمله انگیزه‌های دیگر اسرائیل اعلام یک منطقه غیر نظامی (شبهه کاری که در صحرای سینا انجام داد) به وسعت چهل و پنج کیلومتر در شمال فلسطین اشغالی است و سپس سپردن این منطقه بدست نیروهای چند ملیتی به رهبری امریکا، که هدف از استقرار چنین نیروهایی علاوه بر اینکه از منافع صهیونیستها دفاع شده و این نیروها حافظ منافع آنان خواهند بود، از بار هزینه‌های نظامی سنگین دولت صهیونیست اسرائیل نیز کاسته خواهد شد و این خود

لبنان یکی دیگر از شرایط تشکیل نیروهای پاسدار صلح در لبنان است و بگین خاتم نیز اینچنین توضیح میدهد که:

«اگر شرط تشکیل یک دولت مستقل در بیروت و خروج نیروهای سوری و فلسطینی از این کشور تحقق یابد رژیم صهیونیستی ظرف چند هفته آینده از لبنان خارج خواهد شد» و ادامه میدهد که: «همانگونه که با مصر پیمان صلح امضاء کرده ایم در صورت موجود حکومت مستقل و آزاد لبنان که عاری از حضور سوری ها و فلسطینی ها باشد یا لبنان نیز یک معاهده صلح منعقد خواهیم کرد» این سخنان علاوه بر اینکه تمایل رژیم صهیونیستی مبنی بر به سازش کشیدن لبنانیها و خروج از این کشور را نشان میدهد، بیانگر مسئله دیگری نیز می باشد که آنهم چیزی جز اجرای قرارداد

* اسرائیل پس از تخلیه صحرای سینا و سپردن این ناحیه بدست نیروهای چند ملیتی در پی اجرای مرحله بعدی قرار داد یعنی اعطای خود مختاری به فلسطینیها در چهار چوب این قرار داد است.

وسيله دیگری است که هم اسرائیل بکمک آن مسائل اقتصادی خویش، را سر و سامان میدهد و مشروعیت بیشتری برای اعمال تجاوزکارانه خویش می یابد.

بهر حال مسائل گفته شده اگر چه همه اهداف اسرائیل نبوده، ولی بخش عظیمی از آنها را تشکیل میداد که با توجه به شروط اعلام شده از جانب صهیونیستها برای خروج از لبنان این اهداف را بهتر میتوان مشاهده نمود شروط پیشنهادی اسرائیل که از جانب بگین اعلام شده به شرح زیر می باشد.

۱ - خروج نیروهای سوری باز دارند عرب از لبنان (این نیروها ۲۵۰۰۰ سرباز سوری هستند).
۲ - خروج تمامی فلسطینیها از لبنان.
۳ - استقرار نیروهای چند ملتی حافظ صلح در منطقه ای بطول ۴۰ کیلومتر در جنوب لبنان، (تا از این راه رژیم غاصب بتواند امنیت مرز شمالی خود را تضمین نماید).

۴ - مناطقی که در دست فلسطینیها قرار دارد باید در اختیار نیروهای لبنانی قرار بگیرد که البته در اینجا منظور از نیروهای لبنانی، ارتش لبنان است که امریکا از چند ماه پیش به تجهیز آن پرداخته و تمام فرماندهان آن طبق قانون اساسی لبنان مسیحی مارونی بوده که اینها خود از دشمنان فلسطینیها محسوب می شوند. لازم بذکر است که اسحاق شامیر در توضیح این شرایط اظهار می دارد که نیروی مورد نظر نباید تحت نظارت سازمان ملل متحد باشد و اضافه می کند که همکاری دولت جدید

ننگین کمپ دیوید نیست.

جنگ لبنان و موضع گیری سایر کشورها

هر چند که مرزبندی میان اعراب و اصولا دوستان و دشمنان فلسطین بکرات و در تنگناهای مختلف آشکار شده بود، ولی جنگ لبنان باعث شد که این مرزبندی مشخص تر شود و دوستان و دشمنان واقعی معلوم گردند. کشور سوریه علیرغم تمام تبلیغات اسرائیل و هشدارهایی که دایر بر خروج نیروهای سوری از بیروت دادند، رسماً اعلام کرد که نیروهای سوری در چهارچوب نیروهای بازدارنده عرب و بدعوت دولت لبنان به این کشور آمده اند و خود را ناگزیر از دفاع در مقابل زیاده طلبی های صهیونیستها میدانند و تنها بخواست دولت قانونی لبنان است که نیروهای سوری خاک لبنان را ترک خواهند کرد و همچنین حافظ اسد اعلام داشته است که نیروهای سوری در کنار مدافعین بیروت خواهند ایستاد و بدین ترتیب مشت محکمی بر دهان غاصبان صهیونیست که خواهان ایجاد یک لبنان آزادند، زد.

همچنین کشور لیبی، ضرورت پایداری در مقابل حمله اسرائیل را تشخیص داده و حملات دهمشانه رژیم صهیونیستی به مردم بی دفاع را محکوم نموده است همچنین در هفته گذشته نخست وزیر لیبی، برادر جلوه برای تبادل نظر پیرامون مشکلات منطقه روانه تهران شد و برای مقابله با

تهاجم صهیونیسم تشکیل یک ارتش بین المللی اسرمی به نام ارتش اسلامی قدس را پیشنهاد نمود ارتشی که هم جنبه بین المللی داشته باشد و هم از قدرت سازماندهی توده های میلیونی مسلمان در سراسر جهان برخوردار باشد. و بدین ترتیب لیبی نیز آمادگی خود را برای دفاع در برابر رزمندگان مسلمان

* یکی از اهداف

صهیونیستها از حمله به جنوب لبنان به وجود آوردن دولتی است که برآورده کننده خواسته های صهیونیستها باشد که در آن صورت این دولت میتواند نیروهای سوری را از منطقه بیرون راند

کلام آخر

اگرچه اسرائیل توانست بوسیله ماشینهای جنگی خود بخشی از خاک لبنان را اشغال کرده و بسیاری از مسلمانان لبنانی را قتل عام نماید، ولی خود نیز در طول این نبرد متحمل خساراتهای سنگینی شد که مهمترین آن از دست دادن بسیاری از نیروهای انسانی باصطلاح متخصص بود. چیزی که برای اسرائیل در نهایت درجه اهمیت قرار دارد چراکه جایگزینی نیروی انسانی برای اسرائیل بسیارگران تمام خواهد شد. اسرائیل سرعت می تواند ابزار از دست رفته را تامین نماید ولی قادر به تامین نیروی انسانی نخواهد بود. و این یکی از ضربات بسیار بزرگی بود که در طول این نبرد برپیکر

اولین کشوری بود که به قوریت و با تشخیص وظیفه اسلامی - انسانی خود، برغم داشتن مشکلات و گرفتاریهای ناشی از جنگ تحمیلی آمادگی خویش را برای شرکت دادن نیروهایش در جنگ با رژیم صهیونیستی اعلام داشت. هرچند که قبلا نیز بارها و بارها از جانب امام امت رهبر کبیر انقلاب برآزاد سازی قدس و نابودی اسرائیل تاکید شده بود و جمهوری اسلامی نابودی اسرائیل این غده

سرطانی منطقه را هدف بلند مدت خود ذکر کرده بود و حتی اعزام نیرو به خط مقدم نبرد با اسرائیل و تشکیل گردان جولان نیز چندی پیش مطرح گشته بود. ولی اعلام چنین آمادگی و با این سرعت و فوریت نیرو به جبهه های نبرد فرستادن برای جهانیان شگفت آور و برای توده های مستضعف امیدبخش

*** اگر اسرائیل غاصب موفق بشود نیروهای سوری را از لبنان بیرون راند، یک قدم برای به سازش کشیدن لبنانیها در جهت هدف نهائی خودش که گرفتن نیل تا فرات است نزدیک شده است.**

اسرائیل غاصب وارد شد.

بر همین اساس است که اسرائیل توان یک جنگ فرسایشی درازمدت را ندارد و نیروهای رزمنده مسلمان اگر بتوانند به دفاع از بیروت و لبنان با همان تجهیزات حداقل ادامه دهند، اسرائیل غاصب را به زانو در خواهند آورد و بیروت را گورستان متجاوزان صهیونیست خواهند ساخت. در واقع و در یک تحلیل عمیق می توان به این نتیجه رسید که اسرائیل اگرچه ظاهراً در جنگ برتر است ولی در نهایت بازنده خواهد بود چراکه هرگز و هرگز توان مقابله با رزمندگانی را که دفاع تا آخرین قطره خون و تا آخرین سلاح را شعار خود قرار داده اند نخواهد داشت.

در پایان ذکر این نکته نیز ضروری بنظر میرسد و آن اینکه هرگونه حرکتی که مانع از مقابله و دفاع رزمندگان در برابر صهیونیستها شود حرکتی ضداسلامی بوده و توطئه ای پیش نخواهد بود. بعنوان نمونه تشکیل کمیته نجات (این کمیته مرکب از شش عضو بوده که خواهان یافتن راهی برای صلح می باشند) دولت در تبعید و... نمی تواند نجات دهنده لبنان از زیرچکمه های اسرائیل باشد. بلکه همانگونه که امام امت فرمودند تنها راه نجات قدس از طریق مسلسلهای متکی بر ایمان است.

به اسیدآروز که با سرنگونی صدام بهترین راه را برای نجات قدس بییمائیم و با آرزوی موفقیت برای تمامی رزمندگانی که بر علیه کفر و الحاد در سراسر جهان مبارزه می کنند.

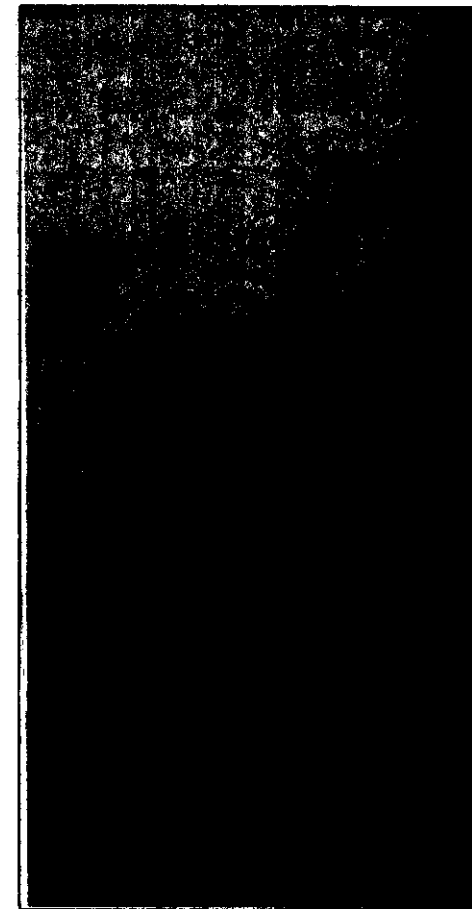
بود.

علیرغم اینکه بعد مسافت مانع از این بود که ایران خود مستول جنگ باشد، ولی قوای خود را در کنار سایر رزمندگان مسلمان به جبهه های جنگ گسیل داشت تا در جبهه های مقدس که بر علیه دشمن صهیونیستی جریان دارد وارد عمل شوند و بدین ترتیب فریاد اهل کبرهای رزمندگان مسلمان ایرانی در خیابانهای دمشق طنین انداز شد.

علاوه بر آن جمهوری اسلامی ایران از سایر کشورهای نیز خواست که در این جهاد مقدس شرکت نمایند. همانطوریکه رئیس جمهور کشورمان عنوان کردند که اگر کشورهای مسلمان نیروهای عظیم خود را بنابه پیشنهاد ما بیاری ساکنان جنوب لبنان و آوارگان فلسطین اعزام کرده بودند، اسرائیل امروز قدرت اینگونه تهاجم را نداشت و ما امروز اعلام می کنیم هر تعدادی که آنها نیرو بدهند ما به برابر خواهیم فرستاد.

در واقع ایران از عهد و عهد پیشنهاد کرده است و این را وظیفه اسلامی خود میدانند که بکنش سایر رزمندگان بشتابند.

و در اینجا این نکته قابل ذکر است که هرچند ما از اعزام نیرو به جنوب لبنان دریغ نمی ورزیم و آن را یک وظیفه شرعی تلقی می نمایم ولی همانطوریکه امام امت فرمودند راه رسیدن به قدس از طریق بغداد و سرنگونی صدام است و این موضع برحق است که ملت مسلمان ایران بر آن پای می فشارد.



و بر علیه اسرائیل غاصب اعلام نمود. اما از لحاظ دیگر اکثر دولتهای عربی در قبال تجاوزات اخیر به لبنان بی تفاوت مانده و ترجیح دادند که از وارد شدن در جنگ خونینی که در آنجا جریان دارد خودداری ورزند. این سکوت و بی تفاوتیها خود مقدار بسیار زیادی زمینه را برای ادامه تجاوزهای صهیونیستی همواره کرده است. این دسته از کشورها حتی از اعزام مردم داوطلب برای جنگیدن در لبنان در کنار برادران رزمنده فلسطینی خودداری کرده اند. این حرکت خود ضربه بزرگی است بر رزمندگان که برای دفاع از سرزمین و آرمانهای مقدس خویش به پا خاسته اند و جای سوال دارد که چه شده است که اعراب که یک عمر دم از ضد صهیونیست بودن خود می زدند، امروز که صهیونیست در درگیری رویارو و با برادران آنها قرار دارند اینچنین بی شرمانه سکوت کرده اند؟

اعزام نیرو از جانب ایران گامی در جهت نابودی اسرائیل

علیرغم بی تفاوتی بعضی از کشورها، ایران